

## روزشمار

جمعه

۱۳۵۸/۲/۲۸

۲۱ جمادی الثانی ۱۳۹۹

۱۸ مه ۱۹۷۹

۱۳۳

در خرمشهر برای تخلیه‌امکن دولتی، انحلال سازمان‌های مسلح و خلع سلاح عمومی، در پی مخالفت گروه‌های مسلح، تحرکی مشاهده نمی‌شود. به نوشته روزنامه اطلاعات، علی‌رغم تصمیم مقامات مسئول به خلع سلاح عمومی در خوزستان، افراد مسلح سلاح‌های خود را همچنان در دست دارند. مقامات دولتی در خرمشهر و استان خوزستان در جریان مذاکره با افراد و گروه‌های مختلف کوشیدند آرامش منطقه به قوت خود باقی باشد. در حال حاضر فعالیت‌های سیاسی که به چشم می‌خورد، تنها اعلام مواضع و اعلامیه‌های مختلفی است که تشکیلات گوناگون منتشر می‌کنند. (۱)

“سازمان مجاهدین خلق عرب” انحلال سازمان‌ها و گروه‌ها در خوزستان را رد کرد. شاکر شکوری سخن‌گوی این سازمان در این باره گفت: «انحلال تشکیلات سالم سیاسی در خوزستان مغایر اصول دموکراسی است.» وی هشدار داد که سیاست‌های نژادپرستانه بی‌بازتاب نخواهد ماند و دولت باید دست‌های پیروان چنین سیاست‌هایی را که با نفاق افکنی، عرب و عجم را رو در روی هم قرار می‌دهند، قطع کند. (۲)

۱۳۴

در یک گزارش نه‌چندان دقیق که از اهواز برای دفتر هماهنگی مناطق (از ارگان‌های ستاد فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) ارسال شد، درباره جریان‌های قومی فعال در خوزستان چنین آمده است:

«شش گروه تجزیه طلب در خوزستان فعالیت می‌کنند. این گروه‌های تجزیه طلب عبارتند از: ۱- سران “جبهه تحریر خوزستان” که حدود ۳۰-۲۰ نفر افراد دوره دیده دارای قدرت سیاسی و نظامی قوی هستند و در سوریه، عراق و فلسطین دوره دیده‌اند و وارد ایران شده‌اند. ۲- دار و دسته حزب بعث عراق که تحت نام‌های مختلف از جمله “معلم” وارد مدارس عربی زبان خوزستان شده و می‌شوند. ۳- بخشی از مارکسیست‌های داخلی و بخشی از گروه

مارکسیست‌های خارج که به تازگی به آنها ملحق شده‌اند . ۴ - باقی ماندگان افسران " گارد جاویدان " ، افسران " ساواک " شهربانی و ارتشی‌های شاه دوست . ۵ - بخشی از بختیاری‌های خوزستان و فراماسون‌ها که اقدامات ضد دولتی را شروع کرده‌اند و تا به حال ۵ اعلامیه علیه دولت داده‌اند . ۶ - " جبهه سیاسی خلق عرب " و کسانی که تحت نام طرفداری از " شیخ محمد طاهر آل شبیر " فعالیت می‌کنند ...

لازم به توضیح است که حدود ۳۰ نفر ساواکی و کمونیست شناخته شده اطراف حضرت آیت الله را گرفته‌اند . همچنین شیوخ و ثروتمندان که موقعیت خود را در خطر می‌بینند و خود را زیر نام شیخ محمد طاهر مخفی کرده‌اند و شیخ را تحریک می‌کنند و آنچه را می‌خواهند بر ایشان فشار می‌آورند و از زبان ایشان شنیده می‌شود . ( اینها ) تحت نام‌های مختلف به شرح زیر ( شناخته می‌شوند ) : ۱ - جامعه روحانیون مسلمان عرب . ۲ - کمیته تدارکات کنگره خلق عرب ایران . ۳ - جمعیت روشنفکران عرب ایران / اهواز . ۴ - کانون فرهنگی عرب / خرمشهر . ۵ - کانون فرهنگی عرب ایران / اهواز . ۶ - سازمان سیاسی خلق عرب مسلمان ایران / خرمشهر . ۷ - عشایر عرب فلاحیه ، آبادان ، اهواز ، هویزه ، خفاجیه ، خرمشهر و شوش . ۸ - کانون فرهنگی عرب ایران / آبادان . ۹ - سازمان مجاهدین خلق عرب ایران / خرمشهر . ۱۰ - جبهه سیاسی خلق عرب مسلمان ایران . ۱۱ - کانون فرهنگی خلق عرب ایران / تهران . ۱۲ - جنبش مردمی خلق عرب ایران . این گروه‌ها متفق علیه دولت و دکتر مدنی استاندار خوزستان اعلامیه می‌دهند .

این جبهه‌ها و سازمان‌ها بیشتر از خارج کشور از جمله از شیخ نشین‌های خلیج فارس تا مصر و عراق و دیگر کشورهای مرتجع عربی گرفته تا امریکا و شوروی و شاه مخلوع و همچنین دشمنان داخلی تقویت می‌شوند . « (۳) »

## ۱۳۵

به دنبال بروز ناآرامی در چند شهر خوزستان ، دکتر مدنی استاندار این استان در یک گفت و گوی اختصاصی با خبرنگار روزنامه اطلاعات چنین گفت : « نغمه‌های توطئه گران در شهرهای خوزستان که مدتی است به گوش می‌رسد و برخوردهایی که در خرمشهر ، شوشتر و مسجدسلیمان طی روزهای گذشته روی داد نشانگر این است که پادوهای حکومت خودکامه سابق و استعمارگران جهانی این بار چشم به خوزستان دوخته‌اند تا این استان را - که قلب ایران به شمار می‌رود و شاید قلب جهان باشد - با توطئه ، نقشه‌های پلید خود را به مورد اجرا درآورند . » مدنی اضافه کرد : « به دنبال وقایع شوشتر و مسجدسلیمان و برخوردهایی که صورت گرفت ، بلافاصله جهت آرامش این دو منطقه و پیش گیری از حوادث بعدی در نقاط دیگر ، اقداماتی به عمل آمد و پاسداران انقلاب و نیروهای انتظامی تقویت شدند . تا کنون چند تن از ضدانقلابیون و کسانی که مخل نظم عمومی بودند دستگیر شدند . » استاندار خوزستان در مورد خلع سلاح عمومی گفت : « کار جمع آوری اسلحه‌هایی که در اختیار افراد غیرمسئول است شروع شده و این برنامه با دقت و سرعت تمام تا به دست آوردن نتیجه مطلوب دنبال خواهد شد . » وی در مورد

کمیتها گفت: « با برنامه ریزی‌های اصولی، کمیته‌های استان در پاسداران انقلاب ادغام خواهند شد و در حال حاضر تشکیلات پاسداران انقلاب در خوزستان در حال شکل گرفتن است. » (۴)

۱۳۶

امروز در مراسمی که با شرکت جمعیت کردهای مقیم مرکز، در دانشگاه صنعتی شریف برپا شد، عزالدین حسینی ضمن یک سخنرانی طولانی دو ساعته، در گزارشی از ملاقات‌ها و نتایج حاصله از سفر به تهران و قم تلویح اعتراف کرد که وی و همراهانش موفقیتی در کسب امتیاز از دولت و امام خمینی برای جریان‌های محارب کردستان نداشته‌اند. به گزارش کیهان، وی درباره ملاقات با شخصیت‌های دولتی گفت: « تاکنون نتوانسته‌ایم در یک جمع تصمیم‌گیرنده از مقامات دولتی به بحث و نظرخواهی بنشینیم. من با علاقه دنبال تشکیل جلسه‌ای هستم که در آن به داد و ستد فکری بنشینیم. » او همچنین درباره ملاقات با امام خمینی گفت: « من در قم به حضور آیت‌الله امام خمینی رهبر انقلاب رسیدم و سخنان ایشان را در زمینه خودمختاری مردم کردستان شنیدم و به عرض ایشان رسانیدم که در کردستان باید به لهجه اقشار با توجه به هرگونه ایدئولوژی سیاسی یا عقیده مذهبی با نظر احترام و تحسین نگرست و نباید دست به کاری زد که اقشار ملت به نام مذهب مقابل هم قرار گیرند. » (۵)

امروز همچنین در چند شهر کردنشین به علت پخش نشدن اخبار مربوط به ملاقات عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد با امام خمینی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تحرکات و اقدامات اعتراض آمیز انجام گرفت؛ از جمله در بانه مردم این شهر ۴ ساعت راهپیمایی کردند. همچنین به گزارش روزنامه اطلاعات قریب ۱۰ هزار نفر از اهالی « اشنویه » در تظاهراتی پشتیبانی خود را از هیئت اعزامی به تهران و قم به ریاست سیدعزالدین حسینی اعلام کردند و با راهپیمایی خواستار آزادی مطبوعات و رفع هرگونه سانسور شدند. راهپیمایان خواستند که جریان مذاکرات هیئت اعزامی از مهاباد با امام خمینی جهت روشن نمودن اذهان عمومی از رادیو تلویزیون پخش شود. (۶)

۱۳۷

« سازمان مجاهدین خلق ایران » در چارچوب مشی خاص خود که از سویی در افکار عمومی به نظام و رهبری آن احترام می‌گذارد و از سوی دیگر با جریان‌های مخالف نظام صراحتاً یا تلویحاً ابراز همبستگی و همراهی می‌نماید، در پیامی « به سندیکای نویسندگان و خبرنگاران و عموم زحمتکشان مطبوعات » درباره تصفیه‌ها و مسائل اخیر مطبوعات کشور (کیهان، آیندگان) به نحو زیر به اعلام مواضع پرداخت:

« ... اولاً، هیچ انقلابی به طور اعم و به ویژه انقلاب نوپای ما به طور اخص، بدون همکاری و وحدت عموم طبقات و اقشار و اصناف مردم به انجام نمی‌رسد. در این میان مطبوعات آزاد و مردمی واجد نقش بسیار حساس هستند که هرگز نمی‌توان در مسیر پیروزی نسبت به آنها

احساس بی نیازی نمود. در اهمیت وجودی مطبوعات آزاد برای پیش برد اهداف انقلابی همین بس که ما معتقدیم که به گواهی تمام تجارب تاریخی، شکستن سر و دست مقدمات با شکستن قلم‌های مسئول و بیدار آغاز شده است.

ثانیا، پاکسازی و تصفیه در صفوف مطبوعات اکید بایستی به همان شدت سایر نهادهای سیاسی و نظامی رژیم پیشین صورت گیرد تا نخاله‌های ننگین رژیم پهلوی و دست نشانندگان استعمار خارجی برای همیشه از صفوف مطبوعات مردمی ما ریشه کن شود.

لیکن باید تاکید کنیم که ذی صلاح‌ترین مرجع برای چنین پاکسازی انقلابی، خود نویسندگان و دیگر زحمتکشان شریف جامعه مطبوعاتند.

ثالثا، تا آن جا که ما با نظرگاه‌های رهبر انقلاب آشنایی داریم تکدر خاطر ایشان از یک یا چند نمونه خاص هرگز نباید به روا داشتن تعرض و حمله و مواجهه قهرآمیز با احدی از مردم (به استثنای جنایتکاران و نیروهای ضدانقلابی) و یا ممانعت از انتشار آزاد مطبوعات تعبیر شود، به ویژه در موقعیت حساس کنونی که امپریالیست‌ها از هر جهت در کمین انقلاب ما نشسته و به انحای طرق در تجزیه و تفرقه صفوف آن و ایجاد انواع دشمنی‌ها توطئه می‌کنند. بنابراین از موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت و از شما تقاضا نمود که در جهت حل بحران کنونی مطبوعات با مراجعه به محضر "حضرت آیت الله العظمی امام خمینی" و همچنین "حضرت آیت الله العظمی طالقانی" مسائل مربوطه را مطرح و اسباب ممانعت از گروه‌های فشاری را که به آنها اشاره کرده‌اید فراهم نموده و آزادی کامل کلیه وسائل ارتباط جمعی را به گونه‌ای انقلابی تامین نمایید.

با این همه بدیهی است که ما نیز دولت را مسئول مستقیم رسیدگی به این مسائل دانسته و دخالت قاطع آن را در جهت احقاق حقوق قانونی همگان طلب می‌کنیم. « (۷)

۱۳۸

عده‌ای از عشایر "جوانرود" و "اورامانات" در قم با امام خمینی ملاقات کردند. امام با یادآوری این مطلب که در رژیم سابق، هم مناطق مرزی و هم مرکزی مورد ستم و تعدی قرار داشته است و اکنون تحت لوای اسلام همه مجتمع و آزاد شدند و چپاولگران آرام نخواهند نشست، فرمودند: «حالا ما آزاد شدیم و مملکتمان را از دست دیگران گرفتیم، آنها آرام نمی‌نشینند، آنها الان درصدد هستند که توطئه‌هایی بکنند. یک اشخاصی را مامور کردند که در اطراف مملکت طرف شما بیایند یک چیزی بگویند؛ در تهران یک طور، در خوزستان یک طور، در کردستان یک طور، در بلوچستان یک طور، در خراسان، در کرمان، اینها مامورهای هستند که از طرف اجانب منتشرند الان و یک ریشه‌هایی از همان رژیم سابقند و یک مقدار هم از همین منحرفین با اسم‌های مختلف. اینها مامورند که نگذارند مملکت آرام باشد، اختلاف ایجاد کنند، هر جا به صورتی: طرف مرزها - که برادرهای ما در آن جا هستند - به صورت این مذهب و آن مذهب اختلاف ایجاد می‌کنند؛ در آنهایی که لسانشان ترک است با آنهایی که لسانشان کرد است با آنهایی که لسانشان فارس است به عنوان عشیره‌ای، به عنوان این که این گروه با آن گروه دو زبان دارند، دو فرهنگ

دارند؛ از این راه، کردستان علی حده، آذربایجان علی حده، خراسان علی حده، به این اسباب مختلف و تشبثات مختلفه می‌خواهند که بین برادرها را به هم بریزند... چه اشخاصی اینها هستند؟ از کجا الهام می‌گیرند؟ از کجا آمدند؟ از آن طرف مرز. بسیاری از اینها در آن وقتی که شلوغ شد و جلو افتادند مسلمین و ریشه اینها را خواستند بکنند. این اشخاصی که تهیه شده بودند برای آشوب، هی از آن طرف مرز با تذکره‌های ساختگی و امثال ذالک، خیلی شان این جور آمدند. یک اقشاری بودند که در خود آن جاها بودند و از تتمه همان دستگاه بودند و جیره خوار آنها بودند، دیدند که الان خطر برایشان هست، وقتی دست ارباب‌ها کوتاه شد، نوکرها هم محروم می‌شوند. اینها هستند که افتادند توی جمعیت، بین شما می‌آیند یک حرف رامی زنند، کردستان یک جور حرف می‌زنند، هر جا یک جور. ماها اگر تحت تاثیر اینها واقع بشویم که دنبال آنی را که آنها می‌خواهند که همه به هم بریزید و برادرها بریزند به جان هم، اگر یک همچو چیزی بشود، آنها قدرت پیدا می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند به ما. ما باید همه با هم توجه به این بکنیم که همان طوری که اسلام فرموده است: «واعتصموا بحبل الله جميع ولا تفرقوا»؛ از تفرقه بترسیم همه مان... آنچه ما را پیش برد وحدت کلمه بود، تفرقه این وحدت کلمه را از بین می‌برد؛ وقتی که از بین برد، این رمزی که رمز پیروزی ما بود از دستمان گرفته می‌شود؛ گرفته که شد، شکست می‌خوریم؛ اگر خدای نخواست ما در این نهضت شکست بخوریم دیگر ایران به حال استقلال برنخواهد گشت، به حال آزادی برنخواهد گشت... باید آن وقت ما تن به اسارت بدهیم تا آخر... اسلام فرموده است که همه با هم برادریم؛ «انما المومنون اخوه»؛ برادرند همه. همان طور که اسلام دستور داده است با هم باید به برادری رفتار کنید؛ یعنی اگر دو تا برادر را یک کسی به او حمله بکند، دوتایی با هم آن را دفع و نابود می‌کنند.

الان ما مورد حمله این قشر قلیلی که از اینها مانده است هستیم، حمله شان یک حمله سیاسی است که بریزند و نگذارند ما مجتمع شویم... از خدا می‌خواهم که این برادرهای ایرانی ما را، هم هوشیار و هم توجه به ایشان بدهد. و آن جا در سرحدات شما، در مرزهایی که شما هستید مسئولیت در مرز خیلی زیادتر هست چنان که در مرکز هم زیاد است. «(۸)

۱۳۹

«سریال گیلیمور» یکی از وزیران مشاور در امور خارجه انگلیس، در مجلس «عوام» محاکمات سیاسی و اعدام‌ها در ایران را مورد نکوهش قرار داد و اظهار امیدواری کرد که دولت ایران یک سیاست معتدل در پیش بگیرد و راه خود را به سوی اجرای اصولی قانونی باز یابد. (۹)

وی گفت: «ما امیدواریم که دولت ایران وفاداری خود را به روح عدالت و حقوق بشر - که انقلاب در جهت آن صورت گرفته است - ثابت کند. گیلیمور اضافه کرد: «من بایستی بگویم که مردم انگلیس از ادامه محاکمات و اعدام‌های سیاسی در ایران تکان خورده‌اند و دولت انگلیس نیز در این احساسات خود را شریک می‌داند. «(۱۰)

آیت الله شریعتمداری در مصاحبه‌ای با خانم لیبزترگود خبرنگار روزنامه انگلیسی زبان گاردین به سوالات وی از جمله درباره ضعف دولت موقت و نقش روحانیت در اداره کشور به نحو زیر پاسخ گفت :

آیت الله شریعتمداری در پاسخ این سوال که قبلا انتقاد می‌شد که دولت موقت دولت ضعیفی است ، به نظر حضرت آیت الله این ضعف از چیست ؟ گفت : « خود دولت معتقد است که یکی از موجبات ضعف او دخالت دیگران از قبیل دخالت‌های بی رویه پاره‌ای از کمیته‌ها و تشکیل دادگاه‌های خارج از حیطه دولت است که عملا قسمتی از نیروی دولت را در اختیار گرفته‌اند و گاهی اوقات موجب اصطکاک‌هایی هم می‌شود . یکی دیگر از علل ضعف ، وضع بخصوص مملکت است که اعتصابات طولانی و انقلاب گذشته به همان گونه که منافعی در پیروزی جنبش و نابودی طاغوت داشته ، آثاری هم در به هم خوردگی نظم و نظام کارها و ضعیف شدن ارتش و تحلیل رفتن کارآیی قوای انتظامی و موجبات بیکاری گروهی از مردم را به دنبال داشته است . »

سوال شد : به نظر حضرت آیت الله آیا روحانیت باید در رهبری دولت نقش داشته باشد ؟ اگر چنین است ، این رهبری تا چه زمان خواهد بود ؟

وی جواب داد : « در اسلام شرط نیست که حتما روحانیت باید در کارها دخالت کند و حضور افراد روحانی در کارها مانند حضور و شرکت دیگر طبقات مملکت است و هیچ فرقی ندارد ، منتها مراجع در دو مورد می‌توانند اقدام کنند : یکی این که اگر در مملکت عملی و قانونی برخلاف مبانی اسلام در جریان باشد و یا تصمیمی برخلاف قانون اساسی مملکت و برخلاف مصالح ملت در شرف اتخاذ و تکوین باشد ، مرجع دخالت می‌کند و مانع این اعمال و رفتار می‌گردد . و مورد دیگر که مرجع حق دخالت دارد ، درجایی که کاری باید انجام گیرد ولی مباشر و مسئول ندارد ، مانند سقوط طاغوت و لزوم تشکیل یک دولت که مجلسی نبود ، رئیس جمهوری نبود ، قانونی نبود ، وضع مملکت را نمی‌شد بدون سرپرست و اداره کننده گذاشت ، لذا مرجع در این مورد دخالت می‌کند و دولتی را برای اداره مملکت تشکیل می‌دهد ولی در مواردی دیگر شرط نیست که حتما خود مرجع متصدی کارها باشد بلکه بر اجرای صحیح قوانین نظارت خواهد داشت ولی باید بدانید که در مذهب شیعه مقام مرجعیت بالاتر از مقام دولت‌ها یا ریاست جمهوری و حتی شرط رسمی و قانونی بودن یک دولت اسلامی این است که مرجع تقلید از لحاظ اسلامی آن را تایید کند ، البته این ویژگی خواست مذهب شیعه است و در دیگر مذاهب اسلامی چنین نیست . و موضوع دیگر این است که از جامعه روحانیت غیر از مراجع اگر افرادی دارای شرایط احراز مقامی در کارهای اداری و اجتماعی و سیاسی و حتی رهبری دولت اسلامی باشند ، می‌توان از وجود آنان استفاده کرد . »

سوال شد : در حال حاضر مراجع چه نقشی در دولت و رهبری آن دارند ؟

جواب : « شخص این جانب هیچ گونه مداخله‌ای در کارهای دولت ندارم ، البته گاهی اوقات از باب ارشاد و راهنمایی مطالبی را متذکر می‌شوم . »

آیت الله درباره اعدام‌ها گفت : « الان در مملکت افرادی اعدام می‌شوند و ممکن است خیلی بیش از اینها یافت شوند که مستحق اعدام باشند ولی باید در طریق تشخیص جرمی که موجب اعدام است دقت زیادتری به عمل آید . قاضی باید صلاحیت کافی داشته باشد . باید به محکومین و مجرمین حق دفاع داده شود و چه بسا خود محکوم در وضعی است که نمی‌تواند از خود دفاع کند ، باید به او امکان داد تا اگر مایل باشد برای خود وکیل بگیرد البته در هر کجا که این موارد تاکنون مراعات شده باشد ، خوب است و حرفی درباره آنها نیست ولی هرکجا که مراعات نشده ، خوب نیست اما ریختن شبانه به منزل مردم و یا مصادره اموال با قانون اسلام تطبیق نمی‌کند ، مگر اموالی که مال ملت است که پس از ثبوت باید به دولت اسلامی منتقل شود و اموالی که غصب شده ، باید به صاحبانش بازگردد ولی مسئله‌ای به نام قانون مصادره اموال به هیچ وجه در اسلام نداریم ؛ مجرم اگر صدبار هم محکوم به اعدام باشد ، اموال او را نمی‌توان مصادره کرد بلکه مربوط به ورثه است ، مگر در مواردی که در فوق به آنها اشاره شد . » ( ۱۴ )

### منابع و ماخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۲۸

- ۱ - روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۲۹ ، ص ۳ .
- ۲ - پیشین .
- ۳ - سند شماره ۰۹۰۳۰۵ ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، گزارش دفتر تحقیق و بازرسی سپاه اهواز .
- ۴ - ماخذ شماره ۱ ، ص ۲ .
- ۵ - روزنامه کیهان ، ۱۳۵۸/۲/۲۹ ، ص ۸ .
- ۶ - ماخذ شماره ۱ ، ص ۳ .
- ۷ - سازمان مجاهدین خلق ایران ، مجموعه اعلامیه‌ها و موضع گیری سیاسی مجاهدین خلق ایران جلد ۱ ، از ۵۷/۱۰/۲۱ تا ۵۸/۴/۱۸ ( تهران : انتشارات سازمان مجاهدین خلق ، ۱۳۵۸ ) ص ۱۴ - ۱۴۶ .
- ۸ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ، صحیفه نور ، مجموعه رهنمودهای امام جلد ۶ ( تهران : وزارت ارشاد اسلامی ، ) ص ۱۹۷ تا ۱۹۹ .
- ۹ - خبرگزاری پارس ، " گزارش‌های ویژه " ، نشریه شماره ۵۶ ، ۱۳۵۸/۲/۲۹ ، ص ۳ ، رادیو کلن .
- ۱۰ - ماخذ شماره ۱ ، ص ۸ ، لندن ، خبرگزاری رویتر .
- ۱۱ - خبرگزاری پارس ، " گزارش‌های ویژه " ، نشریه شماره ۵۶ ، ۱۳۵۸/۲/۲۹ ، ص ۱ و ۲ ، رادیو لندن بخش فارسی و روزنامه کیهان ، ۵۸/۲/۲۹ ، ص ۴ .